

امام خمینی (ره): دنیا به این حقیقت رسیده است که ناامنی در خلیج فارس فقط به ضرر ایران تمام نمی‌شود. (صحیفه نور، ج ۲۰: ۱۲۱)

سنجش عوامل و مؤلفه‌های همگرایی بین ج.ا.ایران و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس^۱

علی بختیارپور^۲ و عباس علی‌پور^۳

تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۱/۱۶

چکیده

حوزه ژئوپلیتیک خلیج فارس، متشکل از کشورهای است که به علت ویژگی‌های ساختاری و کارکردی، دارای زمینه‌های بیشماری از همگرایی و واگرایی هستند. این مقاله با استفاده از روش میدانی، در صدد شناخت عوامل همگرایی بین ایران و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس (۶ کشور) بوده است. یافته‌های پژوهش در چهار متغیر قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که در عمده‌ترین مؤلفه‌ها در بخش قوت‌ها، مؤلفه‌های سیاسی - دیپلماتیک، در بخش ضعف‌ها، مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی، در بخش فرصت‌ها، مؤلفه‌های سیاسی - دیپلماتیک، در بخش تهدیدها، مؤلفه‌های نظامی - امنیتی بوده‌اند. بنابراین ضروری است که برنامه‌ریزان مسائل سیاسی و راهبردی، این عوامل و مؤلفه‌ها را مورد توجه اساسی قرار دهند.

واژگان کلیدی: همگرایی، ایران، شورای همکاری خلیج فارس، قوت، ضعف، فرصت و تهدید

۱. این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی مرکز مطالعات راهبردی است.

۲. دکترای جغرافیای سیاسی و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اهواز

۳. دکترای جغرافیای سیاسی و مدرس دانشگاه جامع امام حسین (ع)

۱. کلیات

۱-۱. طرح مسئله

خلیج فارس، از منظری کلی، منطقه راهبردی جهانی و از نظر کشورهای ساحلی مانند ایران، عراق، کویت، عربستان، بحرین، قطر، امارات متحده عربی و عمان، منطقه‌ای با اولویت راهبردی به شمار می‌آید. این منطقه مهم با داشتن حساسیتی ویژه، منافع منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای کشورهای داخل و خارج خود را مصون نگه می‌دارد. وجود چرخه بی‌ثباتی و منازعه در خلیج فارس نشان می‌دهد که کشورهای این حوزه با وجود دارا بودن زمینه‌های همگرایی، همواره در جهت واگرایی گام برداشته‌اند و این منطقه را به بخشی بی‌ثبات در خاورمیانه تبدیل نموده‌اند. در این راستا به منظور برقراری نظامی پایدار در خلیج فارس، محدودیت‌های ناشی از عدم به‌کارگیری نظام امنیتی مناسب در خلیج فارس نشان می‌دهد که این منطقه، همواره محل رقابت‌ها و تضادهای متقابل بوده است؛ رقابت‌هایی که مبتنی بر رقابت تسلیحاتی و ایدئولوژیک، تصور تهدید متقابل، ایجاد ائتلاف، حضور عناصر خارجی و ... بوده و این عوامل، ریشه بسیاری از بی‌اعتمادی‌ها را در این منطقه به وجود آورده و منجر به تضعیف همگرایی‌های منطقه‌ای شده است. این در حالی است که پیش‌زمینه ثبات سیاسی و امنیتی در خلیج فارس، توجه به زمینه‌های همکاری‌جویانه و مشارکت‌جویی تمامی کشورهای حوزه خلیج فارس است. این پژوهش با تحلیل عوامل چهارگانه داخلی (قوت و ضعف) و خارجی (فرصت و تهدید) در صدد شناخت عوامل و زمینه‌های همگرایی بین ایران و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به‌عنوان دو قطب قدرت منطقه‌ای در خلیج فارس خواهد بود.

۱-۲. ضرورت و اهمیت موضوع

با وجود سپری شدن قرن‌ها در پیشرفت و تعالی ملت‌ها و سیاست حاکمیت در چارچوب اتحاد، ائتلاف‌ها و ایجاد همگرایی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، ایرانیان و اعراب همچنان در سراسیابی و اگریابی گام برداشته‌اند که برآیند ذهنیت‌های غلط و کینه‌توزانه گذشته بوده است، اما وجود برخی زمینه‌های همگرایی در منطقه باعث شده است که بتوان با استفاده از آنها، شدت و اگریابی‌های موجود را کاهش و تخفیف داد. این عمل به نوبه خود، زمینه را برای افزایش همگرایی بین ایران و این کشورها - به‌طور خاص شورای همکاری خلیج فارس - فراهم می‌سازد. بنابراین شناخت عوامل همگراکننده بین ایران و این کشورها یک ضرورت اساسی محسوب می‌گردد؛ ضرورتی که بتوان با شناخت و سنجش عوامل چهارگانه (قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها) برنامه‌های جامعی را در جهت کاهش و اگریابی‌ها و افزایش میزان همگرایی تدوین ساخت.

۱-۳. پیشینه تحقیق

مروری به سوابق بررسی‌های انجام شده در زمینه عوامل همگرایی بین ایران و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس نشان می‌دهد که هر یک از این آثار به فراخور نگاه تخصصی خود، با دیدی تک‌عاملی به نقش عوامل مؤثر بر همگرایی بین ایران و این کشورها پرداخته‌اند و در کمتر نوشته‌ای، اثر تمامی عوامل تأثیرگذار بر همگرایی مورد ارزیابی و سنجش قرار گرفته است. در ادامه به مهم‌ترین آثار در این مورد، اشاره می‌شود. قاسمی و صالحی با رویکردی نظری، خلیج فارس را به‌عنوان یک حوزه ژئوپلیتیکی مورد تحلیل قرار داده‌اند (قاسمی و صالحی، ۱۳۸۶). قاسمی به ناکارایی نظام واپایش (کنترل) نظم و تعارض‌های منطقه‌ای پرداخته و زمینه‌های همگرایی را مورد اشاره قرار داده است (قاسمی، تابستان ۱۳۸۰).

تاجیک در پژوهشی به نقش عوامل مخرب در همگرایی منطقه‌ای کشورهای خلیج فارس پرداخته است (تاجیک، ۱۳۷۵).

صفارزاده، از حمل و نقل به عنوان یک نقطه مناسب برای شروع همکاری‌های منطقه‌ای در کشورهای حوزه خلیج فارس نام می‌برد (صفارزاده، ۱۳۸۰).

سلطانی (۱۳۸۰)، روشندل (۱۳۷۴)، امامی (۱۳۸۴)، دهبزاد (۱۳۸۴)، قربان (۱۳۸۴) پژوهش‌های دیگری را در این زمینه انجام داده‌اند، اما این پژوهش با رویکردی جدید در صدد شناسایی و تبیین نقش عوامل و مؤلفه‌های گوناگون در ایجاد همگرایی بین ایران و این کشورها بوده است.

۱-۴. پرسش تحقیق

چه عوامل و زمینه‌هایی در جهت ایجاد همگرایی بین ایران و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس وجود دارند؟ وزن هر یک از عوامل چهارگانه (قوت، ضعف، تهدید و فرصت) چقدر می‌باشد؟

۱-۵. فرضیه تحقیق

به نظر می‌رسد که عوامل همگراکننده بین ایران و این کشورها تلفیقی از عوامل و مؤلفه‌های سیاسی - دیپلماتیک، اقتصادی، نظامی - امنیتی و اجتماعی - فرهنگی است که در ایجاد همگرایی نقش دارند.

۱-۶. روش تحقیق

این مقاله به لحاظ روش تحقیق، جزو تحقیق‌های میدانی است. در این روش، ابتدا با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و کتابخانه‌ای به شناسایی همه عوامل تأثیرگذار بر همگرایی بین ایران و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس اقدام گردید. پس از شناسایی این عوامل تأثیرگذار، آنها بر حسب عوامل چهارگانه قوت‌ها، ضعف‌ها،

فرصت‌ها و تهدیدها تفکیک گردیدند. سپس با تهیه یک پرسشنامه، عوامل فوق مورد پیش‌آزمون قرار گرفت. هدف از این پیش‌آزمون، حذف گویه‌های نامتجانس بود. در این مرحله، هدف از سنجش اعتبار روایی و پایایی پرسشنامه، تعیین نقش عوامل مهم تأثیرگذار بر همگرایی بود. پس از این مرحله و گردآوری پرسشنامه‌ها در محیط نرم‌افزار SPSS، تمامی گویه‌هایی که آلفای کرونباخ آنها پایین‌تر از حد معمول بود، حذف گردید و در نهایت، در بخش قوت‌ها ۶ گویه، در بخش ضعف‌ها ۱۳ گویه، در بخش فرصت‌ها ۱۲ گویه و در نهایت، در بخش تهدیدها ۱۲ گویه مورد شناسایی و سنجش قرار گرفت. جامعه آماری این تحقیق، در مجموع ۶۰ نفر می‌باشد که به طور انتخابی، ترکیب آنها مشتمل بر نخبگان نظامی و امنیتی، اساتید دانشگاه، مسئولان سیاسی و امنیتی، کارشناسان سیاسی متخصص در امور خلیج فارس بود. روش انجام پرسشنامه، روش لیکرت و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، استفاده از نرم‌افزار SPSS با استفاده از روش‌های آماری توصیفی بوده است.

۲. چارچوب نظری تحقیق

برای تحلیل خلیج فارس در چارچوبی منسجم و در قالب نظریه نظام‌ها، در وهله نخست باید آن را به مثابه یک نظام^۱ و به عنوان یک منطقه خاص و مستقل بررسی کرد. اجزای این نظام، کشورها و بازیگرانی هستند که وجوه اشتراک و افتراق فراوانی دارند (روشندل ۱۳۷۳: ۳۵). همچنین این منطقه افزون بر اینکه در سطح داخلی و منطقه‌ای با اجزای درونی‌اش ارتباط دارد، خود همچون یک منطقه خاص جغرافیایی و مهم‌تر از آن، به عنوان یک خرده‌نظام^۲ با نظام بین‌الملل در تعامل است. نویسندگان در این مقاله،

1. System
2. Sub- System

از دو رهیافت اصلی و مسلط در سطح بین‌الملل (رهیافت نظام تابعه و رایانیکی (سایبرنتیکی) به‌عنوان چارچوب نظری استفاده می‌نمایند.

۱-۲. رهیافت نظام تابعه

نظام تابعه به‌عنوان یک مفهوم تحلیلی، بخش‌های تشکیل‌دهنده نظام بین‌الملل را نشان می‌دهد. ویلیام تامسون، نظام تابعه را جزئی از نظام بزرگ‌تر با خصوصیت‌های ویژه خود می‌داند که دارای ساختار و مرزهای مشخصی است که سبب تمایز آن از محیط می‌شود (Thomson, 1973: 97).

مایکل برچر شش شرط را برای نظام تابعه لازم می‌داند که عبارت از «تحدید آن بر اساس منطقه جغرافیایی، وجود دست‌کم سه واحد تشکیل‌دهنده، مورد شناسایی قرار گرفتن از سوی سایرین به‌عنوان بخشی جدا، ضعیف‌تر بودن واحدهای نظام تابعه در مقام مقایسه با واحدهای نظام مسلط، خود را به‌عنوان یک منطقه دانستن، شدت زیاد رسوخ‌پذیری نظام تابعه در برابر نظام مسلط» هستند. مهم‌ترین ویژگی‌های ساختاری این نظام، «سطح قدرت در نظام تابعه، لایه‌های موجود قدرت در نظام، وجود یا عدم وجود سازمان سیاسی، وجود سازمانی نظامی، وجود سازمان اقتصادی، شدت کنش متقابل در نظام تابعه، شدت رسوخ‌پذیری و همچنین توان نفوذگذاری» می‌باشد. افزون بر آن، ویژگی‌های مربوط به بافت آن «سطح و میزان ارتباطها، تجانس در ارزشها، میزان شباهت در نظام‌های سیاسی، ثبات داخلی واحدهای آن» می‌باشد (Brecher, 1969: 117).

کانتوری و اشپیگل نیز منطقه را به‌عنوان نظام تابعه در سیاست بین‌الملل مطرح می‌کنند. بر این اساس، سه نوع نظام مسلط، تابعه و داخلی شکل می‌گیرد. نظام مسلط در عرصه جهانی وجود خواهد داشت و قدرتمندترین کشورها را در بر می‌گیرد. نظام تابعه، روابط متقابل را در درون منطقه شامل خواهد شد و این در حالی است که نظام داخلی شامل کشور و سازمان‌های آن می‌باشد (قاسمی و صالحی، ۱۳۸۶: ۲۰). آنها با توجه به

چهار متغیر «سطح و میزان انسجام، ماهیت ارتباطات، سطح قدرت و ساختار روابط»، نظام تابعه را به سه بخش اساسی «بخش مرکزی، بخش پیرامونی و قدرت مداخله‌گر» تقسیم می‌کنند. بخش مرکزی از یک یا چند کشور تشکیل شده است که مرکز ثقل سیاست بین‌المللی منطقه‌ای را شکل می‌دهند، ولی در بیشتر موارد، این بخش، از چند کشور دارای زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و کنش متقابل در درون گروهی خاص از کشورها تشکیل می‌شود. همچنین انسجام سازمانی نیز باید مورد ملاحظه قرار گیرد. در مجموع، انسجام سیاسی و اقتصادی به شکل‌گیری بخش مرکزی کمک می‌کند.

بخش پیرامونی شامل تمامی کشورهایی است که در یک نظام تابعه معین، به دلیل متغیرهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی یا سازمانی از بخش مرکزی حذف می‌گردند، اما با وجود این، در سیاست‌های مربوط به نظام تابعه، نقش دارند. در حالی که بخش مرکزی از میزان قابل توجهی تجانس (سیاسی، اقتصادی و اجتماعی) برخوردار است، بخش پیرامونی از چنین تجانسی محروم می‌باشد.

قدرت مداخله‌گر نیز از مشارکت قدرت مهم خارجی و یا به عبارتی دیگر، نظام جهانی و اپایش نظم، در روابط بین‌الملل، خود را نمایان می‌سازد. در حالی که بخش مرکز و پیرامون هر دو شامل کشورهایی هستند که در درون منطقه قرار دارند، قدرت‌های بیرون از منطقه نیز در این نظام شرکت کرده و به این ترتیب یکی از اجزای آن محسوب می‌شوند (Louis and Steven, 1974).

۲-۲. رهیافت رایانیکی (سایبرنتیکی)

موضوع اصلی این رهیافت، رفتارهای درون نظام و واپایش آنها با بهره‌گیری از ابزارهای مختلف، از جمله نظام‌های واپایشی است. به عبارت روشن‌تر، نظم نظام‌مند، موضوع اصلی این رویکرد است. در این نگرش، نظام به‌طور کلی و نظام بین‌الملل به‌طور ویژه به دو بخش واپایش‌کننده و واپایش‌شونده تقسیم می‌گردد.

برای بیان ریشه‌های شکل‌گیری رفتار واحدهای سازنده نظام از دو سطح تحلیل می‌توان بهره جست. از بُعد سطح تحلیل خرد، دولت ملی و ویژگی‌های آن، مرکز ثقل تحلیل را شکل می‌دهد. از بُعد سطح تحلیل نظام‌مند نیز عوامل متعددی در شکل بخشیدن به رفتار خارجی مؤثرند که می‌توان به ساختار نظام، درجه تجانس نظام، توزیع قدرت در نظام و ... اشاره کرد. استحکام نظام تصمیم‌گیری داخلی سبب کاهش تأثیر حوادث خارجی بر امور داخلی یک کشور می‌گردد. همچنین با انعطاف‌پذیری محیط خارجی و داخلی نسبت به یکدیگر، تأثیر تعارضی حوادث خارجی کاهش می‌یابد (Karl, 1966: 19).

نکته مهم اینکه با پدید آمدن رفتارهای متفاوت و محیط‌های گوناگون، رفتارها و جریان‌های موجود وارد نظام واپایش یعنی یکی از بخش‌های نظام رایانیکی (سایبرنتیکی) می‌گردد. در این بخش، دو نوع نظام واپایش خودکار و غیر خودکار وجود خواهد داشت. حال با این واپایش‌کننده‌ها، یا رفتارهای تعارضی، واپایش شده و صلح و ثبات در نظام حفظ می‌شود و یا اینکه این نظام‌ها قادر به واپایش تعارض‌ها نخواهند بود، که در این حالت، ممکن است نظام واپایش منطقه‌ای، حالت سلسله مراتبی به خود بگیرد و نظام مداخله‌گر به عنوان نظام واپایش در امور منطقه‌ای دخالت کند (حافظ‌نیا و کاویانی، ۱۳۸۵: ۵۶).

با توجه به دو نظام مورد اشاره، نظام تابعه خلیج فارس از سه بخش اساسی تشکیل می‌شود که شامل بخش مرکز (هسته)، پیرامون و مداخله‌گر است. بخش مرکزی این نظام، متشکل از مجموعه‌ای از کشورهای است که از شباهت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برخوردارند و افزون بر آن، انسجام سازمانی سبب تمایز آنها از بخش‌های دیگر شده است و در سازمانی با عنوان شورای همکاری خلیج فارس سازماندهی شده‌اند. بخش پیرامونی نظام تابعه خلیج فارس شامل کشورهایی هستند که به دلایل مربوط به متغیرهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و سازمانی از بخش مرکزی حذف می‌گردند، اما با وجود این، به دلیل موقعیت جغرافیایی، در نظام تابعه

خلیج فارس ایفای نقش می‌نمایند و در نظام منطقه‌ای از تأثیرگذاری زیادی برخوردارند. در خلیج فارس، ایران و عراق از جمله کشورهای تشکیل‌دهنده پیرامونی محسوب می‌گردند (اسدی، ۱۳۸۱: ۴۳). سرانجام، بازیگران مداخله‌گر به‌عنوان یکی از اجزای تشکیل‌دهنده نظام تابعه خلیج فارس مطرح هستند.

شکل شماره ۱. الگوی نظام تابعه خلیج فارس



تمرکز اصلی این پژوهش، از یک سو ایران، به‌عنوان یکی از دو قطب اصلی پیرامونی نظام خلیج فارس و از سوی دیگر، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به‌عنوان هسته این نظام خواهد بود. بنابراین از عراق به‌عنوان نظام دیگر پیرامون و آمریکا به‌عنوان مداخله‌گر اصلی در نظام بین‌الملل چشم‌پوشی شده است، اما به آثار این دو قطب قدرت در عوامل و مؤلفه‌های مورد بررسی، اشاره خواهد شد.

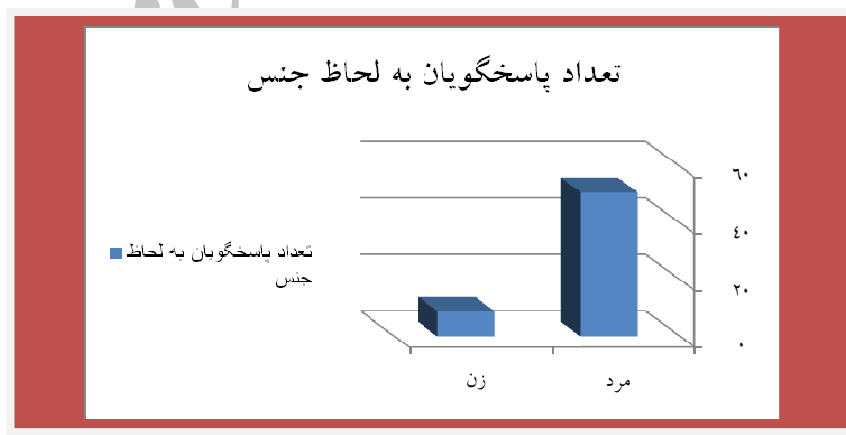
نقشه شماره ۱. منطقه خلیج فارس



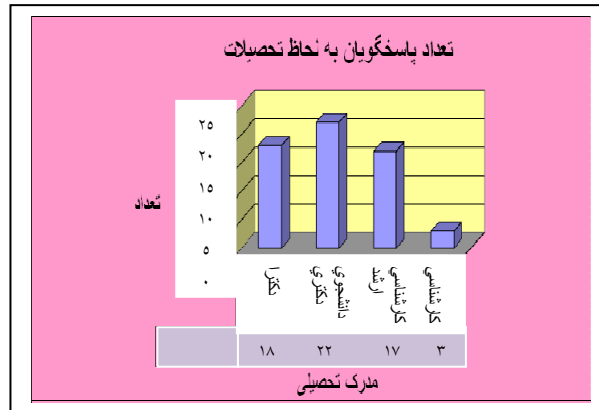
۳. یافته‌های تحقیق

همان‌گونه که در نمودار زیر مشخص شده است، از ۶۰ نفر پاسخگو، تعداد ۵۱ نفر (۸۱ درصد) مرد و ۹ نفر (۱۹ درصد) زن بوده‌اند.

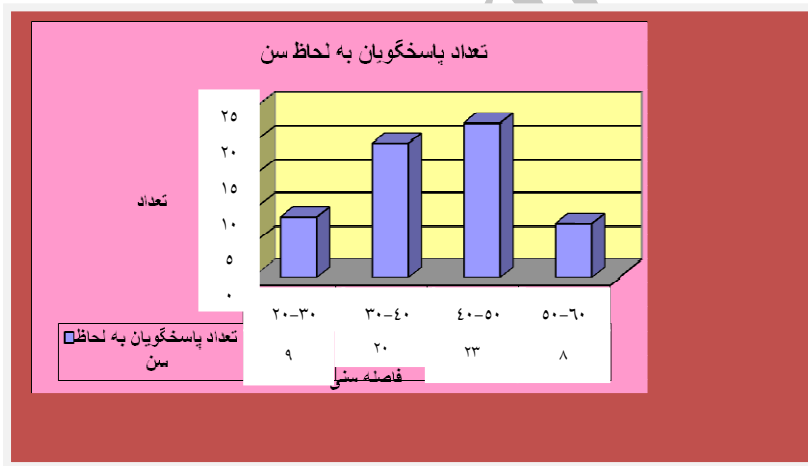
نمودار شماره ۱. پاسخگویان به لحاظ جنس



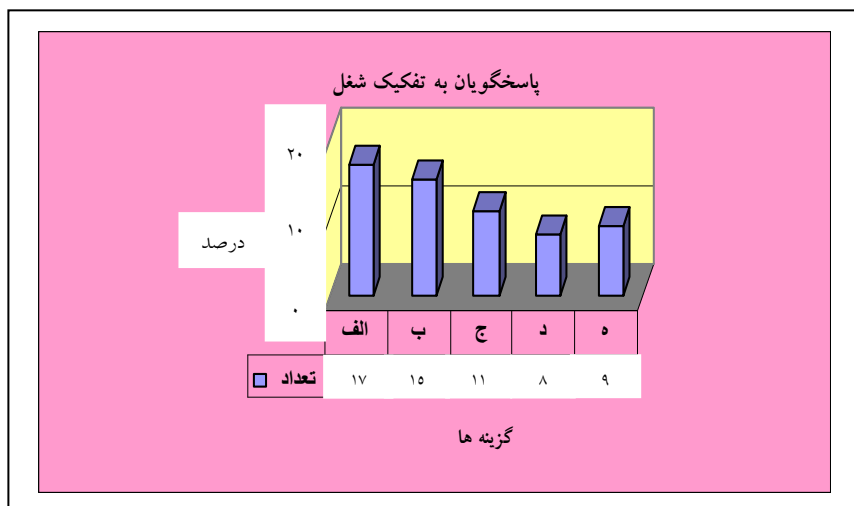
نمودار شماره ۲. شرایط پاسخگویان از نظر تحصیلات



نمودار شماره ۳. پاسخگویان به لحاظ سن



نمودار شماره ۴. پاسخگویان به لحاظ شغل



بررسی پاسخگویان از نظر شغل نشان می‌دهد، تعداد ۱۷ نفر (۲۸.۳۳ درصد) عضو هیئت علمی دانشگاه‌های نظامی (گزینه الف)، ۱۵ نفر (۲۵ درصد) پژوهشگران مسائل نظامی و امنیتی (گزینه ب)، ۱۱ نفر (۱۸.۳۳ درصد) پژوهشگران غیرنظامی (گزینه ج)، ۸ نفر (۱۳.۳۳ درصد) عضو هیئت علمی دانشگاه‌های غیرنظامی (گزینه د) و ۹ نفر (۱۵ درصد) سایر (گزینه ه) بوده‌اند. گفتنی است که بیشتر پاسخگویان دانشگاه‌های نظامی و حتی غیرنظامی از مسئولان اجرایی کشور بودند.

برای شناسایی عوامل و مؤلفه‌های مؤثر بر همگرایی بین ایران و این کشورها با استفاده از روش سوات^۱، به شناسایی قوت‌ها و ضعف‌ها (عوامل درونی) و فرصت‌ها و تهدیدها (عوامل بیرونی) با روش لیکرت پرداخته می‌شود. این بخش، به شناسایی عوامل تأثیرگذارتر که نقش بیشتری در میزان همگرایی دارند، منتهی خواهد شد. در نهایت باید مشخص شود که این عوامل همگراکننده، بیشتر در چه مؤلفه‌هایی (مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، سیاسی و ...) قرار دارند.

1. SWOT

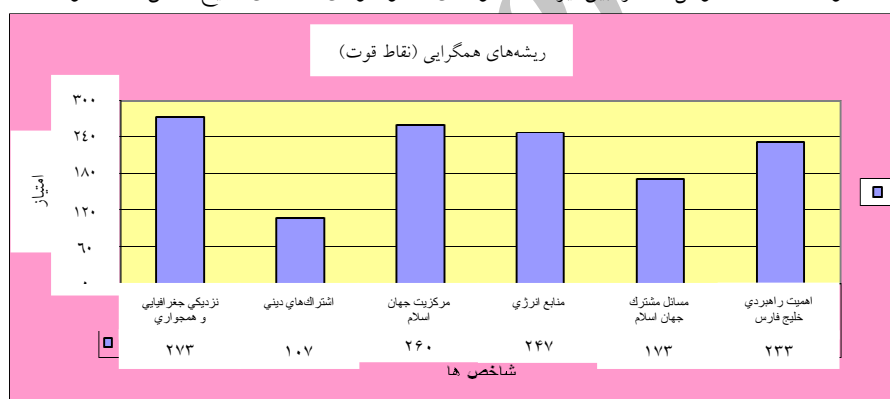
جدول شماره ۱. تحلیل مدل SWOT

T (نقاط تهدید)	O (نقاط فرصت)	S (نقاط قوت)
ST راهبرد	SO راهبرد	
WT راهبرد	WO راهبرد	W (نقاط ضعف)

۳-۱. قوت‌ها

نقاط قوت، عواملی هستند که برای یک سازمان یا مجموعه، مزیت به شمار می‌آیند (اعرابی، ۱۳۸۵: ۲۷). در مجموع، عمده‌ترین نقاط قوت همگرایی ایران و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به تفکیک در نمودار شماره ۵ آمده است.

نمودار شماره ۵. عوامل همگرا بین ایران و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس (نقاط قوت)



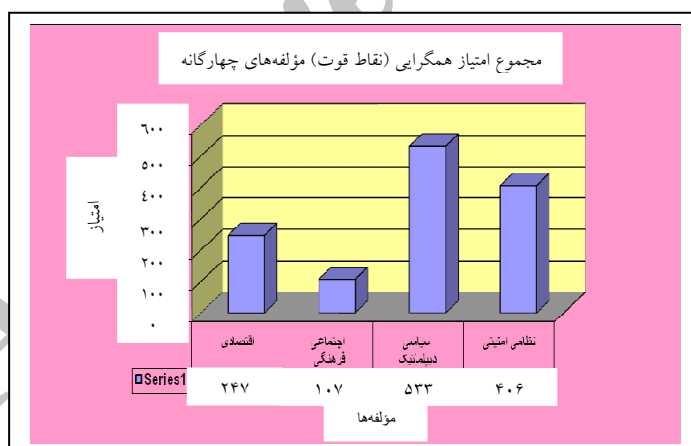
در بین عوامل همگراکننده، بالاترین تأثیرگذاری در راستای افزایش میزان همگرایی در منطقه، متعلق به گزینه نزدیکی جغرافیایی، همجواری و همسایگی است. عامل دوم تأثیرگذار، قرار گرفتن در مرکز جهان اسلام و موقعیت قانونی و ژئوپلیتیکی منطقه است که تاکنون از آن در جهت مثبت و سازنده استفاده نشده است. دیگر مؤلفه‌ها به

ترتیب عبارت از، وجود منابع عظیم انرژی، اهمیت نظامی و راهبردی خلیج فارس و وحدت حول مسائل جهان اسلام هستند.

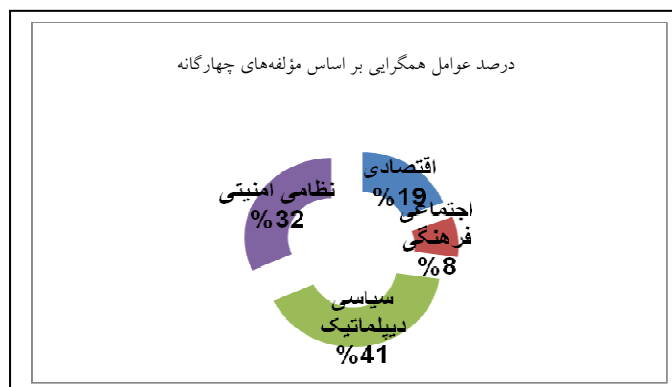
جدول شماره ۲. مجموع امتیاز نقاط قوت به تفکیک طیف‌ها

طیف‌ها	عوامل	امتیاز عامل	جمع امتیاز طیف	درصد مجموع امتیازهای طیف به کل طیف‌ها
طیف (۱)	نزدیکی جغرافیایی و همجواری	۲۷۳	۱۰۱۳	۷۸.۳۴
	مرکزیت جهان اسلام (ژئوپلیتیکی)	۲۶۰		
	منابع انرژی	۲۴۷		
	اهمیت راهبردی خلیج فارس	۲۳۳		
طیف (۲)	مسائل مشترک جهان اسلام	۱۷۳	۱۷۳	۱۳.۳۷
طیف (۳)	اشتراک دینی	۱۰۷	۱۰۷	۸.۲۹
طیف (۴)	****	***	۰	۰
طیف (۵)	****	***	۰	۰

نمودار شماره ۶. تأثیرگذاری عوامل بر اساس مؤلفه‌های چهارگانه (نقاط قوت)



نمودار شماره ۷. درصد تأثیرگذاری عوامل بر اساس مؤلفه‌های چهارگانه (نقاط قوت)

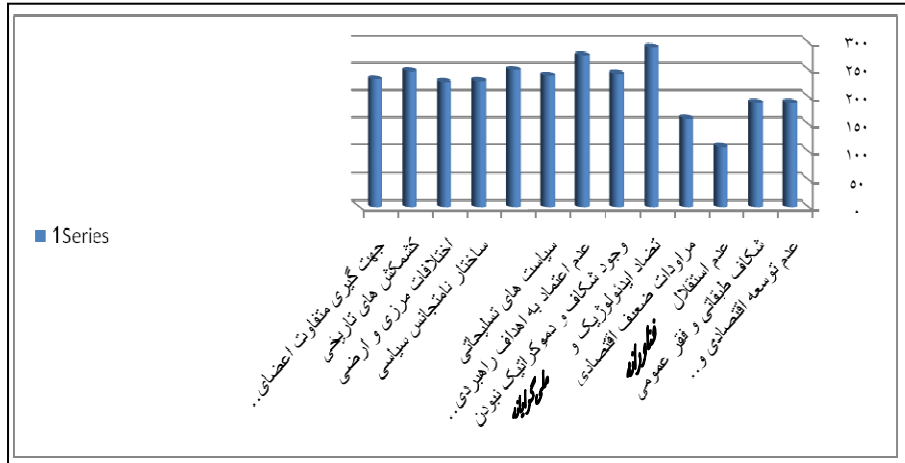


با توجه به نمودار بالا، نتایج نشان می‌دهد در مجموع عوامل همگراکننده به ترتیب مؤلفه‌های سیاسی - دیپلماتیک (۴۱ درصد)، مؤلفه‌های نظامی - امنیتی (۳۲ درصد)، مؤلفه‌های اقتصادی (۱۹ درصد) و در نهایت، مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی هستند، که ۸ درصد از میزان کل عوامل همگرایی را تشکیل داده است. نکته جالب اینکه مؤلفه‌های نظامی - امنیتی، هم در عوامل واگرایی از قدرت زیادی برخوردار بودند و هم در عوامل همگرایی، دارای وزن بالایی بودند. بنابراین برخی از شاخص‌ها هم در نقش عوامل همگرا و هم در نقش عوامل واگرا به ایفای نقش می‌پردازند.

۳-۲. ضعف‌ها

نقاط ضعف، مهارت‌ها و توانایی‌هایی هستند که به دلیل عدم برخورداری از آنها نمی‌توان راهبرد مناسبی را اتخاذ کرد (اعرابی، ۱۳۸۵: ۲۷). با این دید، عمده‌ترین ضعف‌های همگرایی بین ایران و این کشورها عبارتند از:

نمودار شماره ۸. نقاط ضعف بین ایران و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس



بررسی‌ها نشان داد ضعف همگرایی بین ایران و این کشورها به ۱۳ عامل برمی‌گردد که نتایج آن در نمودار بالا مشاهده می‌شود. اولین مؤلفه که یک ضعف اساسی در همگرایی بین ایران و این کشورها می‌باشد، گزینه تضادهای ایدئولوژیک و ملی‌گرایانه در منطقه است. (۲۹۲ امتیاز) دومین گزینه، عدم اعتماد به هدف‌های راهبردی ایران، ترس از موقعیت منطقه‌ای ایران و ابهام در نیت راهبردی ایران است. (۲۷۷ امتیاز) سومین گزینه تأثیرگذار، قرار داشتن منطقه در راهبرد قدرت‌های جهانی و نفوذ شدید ابرقدرت‌ها در منطقه است. این گزینه در مجموع (۲۵۰ امتیاز) کسب کرده است. سایر گزینه‌ها، رقابت و کشمکش‌های تاریخی در منطقه (۲۴۸ امتیاز)، وجود شکاف دولت - ملت (۲۴۳ امتیاز)، سیاست‌های تسلیحاتی و خریدهای کلان (۲۴۰ امتیاز)، اختلاف‌های مرزی و ارضی (۲۲۸ امتیاز)، عدم گفت‌وگو واحد در جهت‌گیری‌های متفاوت اعضای شورای همکاری خلیج فارس (۲۳۳ امتیاز)، ساختار نامتجانس سیاسی این کشورها و ناتوانی در مواجهه با مشکلات داخلی و منطقه‌ای (۲۳۰ امتیاز)، عدم توسعه اقتصادی (۱۹۰ امتیاز)، شکاف طبقاتی و فقر عمومی (۱۹۰ امتیاز)، مراودات

ضعیف اقتصادی (۱۶۱ امتیاز) و در نهایت، عدم استقلال علمی و فناورانه (۱۰۹ امتیاز) هستند که به ترتیب، عوامل تأثیرگذار در واگرایی بین ایران و این کشورها بوده‌اند.

جدول شماره ۳. نتایج نهایی طیف‌بندی (نقاط ضعف)

طیف‌ها	عوامل	امتیاز عامل	جمع امتیاز طیف	درصد مجموع امتیازهای طیف به کل طیف‌ها
طیف ۱	تضادهای ایدئولوژیک و ملی‌گرایانه	۲۹۲	۱۲۵۸	۴۳.۵۲
	عدم اعتماد به هدف‌های راهبردی ایران و ترس از موقعیت منطقه‌ای ایران و ابهام در نیت راهبردی	۲۷۷		
	قرار داشتن منطقه در راهبرد قدرت‌های جهانی و نفوذ شدید ابرقدرت‌ها در منطقه	۲۵۰		
	رقابت و کشمکش‌های تاریخی در منطقه	۲۴۸		
	وجود شکاف دولت - ملت	۲۴۳		
	سیاست‌های تسلیحاتی و خریدهای کلان	۲۴۰		
طیف ۲	عدم گفت‌وگو واحد در جهت‌گیری‌های متفاوت اعضای شورای همکاری	۲۳۳	۱۳۶۳	۴۷.۱۴
	ساختار نامتجانس سیاسی این کشورها و ناتوانی در مواجهه با مشکلات داخلی و منطقه‌ای	۲۳۰		
	اختلاف‌های مرزی و ارضی	۲۲۸		
	عدم توسعه اقتصادی	۱۹۰		
	شکاف طبقاتی و فقر عمومی	۱۹۰		
طیف ۳	مراودات ضعیف اقتصادی	۱۶۱	۱۶۱	۵.۵۶
طیف ۴	عدم استقلال علمی و فناورانه	۱۰۹	۱۰۹	۳.۷۸
طیف ۵	***	***	۰	۰

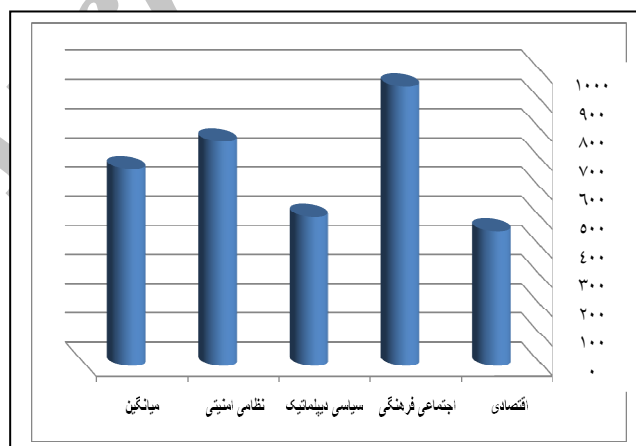
جدول شماره ۴. تأثیرگذاری عوامل (نقاط ضعف) بر اساس مؤلفه‌های چهارگانه

مؤلفه‌ها	مجموع امتیازها	درصد هر مؤلفه به کل طیف
مؤلفه‌های اقتصادی	۴۶۰	۱۷.۰۹
مؤلفه‌های نظامی - امنیتی	۷۶۷	۲۸.۵
مؤلفه‌های سیاسی - دیپلماتیک	۵۰۹	۱۸.۹۱
مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی	۹۵۵	۳۵.۴۸
جمع	۲۶۹۱	۱۰۰

نمودار شماره ۹. تأثیرگذاری عوامل (نقاط ضعف) بر اساس مؤلفه‌های چهارگانه (درصد)



نمودار شماره ۱۰. تأثیرگذاری عوامل (نقاط ضعف) بر اساس مؤلفه‌های چهارگانه (امتیاز)

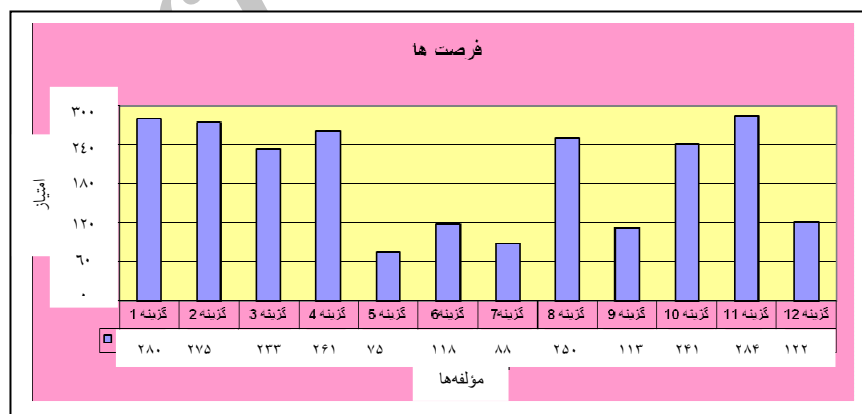


همان‌گونه که در نمودار بالا مشاهده می‌گردد، در مجموع مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی با ۳۵.۴۸ درصد از کل نقاط ضعف، بیشترین میزان و شدت واگرایی را دارا هستند، مؤلفه‌های نظامی - امنیتی با ۲۸.۵ درصد در رتبه دوم قرار دارند. مؤلفه‌های سیاسی - دیپلماتیک با ۱۸.۹۱ درصد از کل مؤلفه‌ها و در نهایت، مؤلفه‌های اقتصادی با ۱۷.۰۹ درصد، رتبه‌های بعدی را به خود اختصاص داده‌اند. میانگین تأثیرگذاری این مؤلفه‌ها نیز رقم ۶۷۲.۷۵ امتیاز است که این عدد نشان می‌دهد مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی و نظامی - امنیتی، بالاتر از حد میانگین و مؤلفه‌های اقتصادی و سیاسی - دیپلماتیک، پایین‌تر از حد میانگین کل هستند. بنابراین ضرورت دارد که بیشترین برنامه‌ریزی در زمینه از بین بردن ضعف‌های معطوف به دو گزینه اول باشد.

۳-۳. فرصت‌ها

فرصت‌ها، مجموعه عواملی هستند که با شناخت آنها بتوان در جهت تدوین راهبرد مناسب، گام برداشت. نمودار زیر، نشان‌دهنده عمده‌ترین عوامل فرصت‌ساز در ایجاد همگرایی بین ایران و این کشورها می‌باشد.

نمودار شماره ۱۱. نقاط فرصت بین ایران و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس



همان‌گونه که در نمودار مشخص شده است، در مجموع ۱۲ عامل در بخش فرصت‌ها استحصال گردید. این عوامل به ترتیب اهمیت و توان تأثیرگذاری عبارتند از: اولین عامل تأثیرگذار در این بخش، گزینه یازدهم (شفافیت در امور نظامی و امنیتی یکدیگر، ارتباط نزدیک‌تر مسئولان نظامی و امنیتی و انجام رزمایش‌های مشترک نظامی) است. این عامل در مجموع با ۲۸۴ امتیاز در رتبه اول قرار دارد.

دومین عامل تأثیرگذار در این بخش، گزینه اول (همکاری‌های منطقه‌ای در زمینه آبی، گردشگری و زیست‌محیطی) است. این عامل در مجموع ۲۸۰ امتیاز کسب کرده است.

سومین عامل تأثیرگذار در این بخش، گزینه دوم (همکاری‌های اقتصادی در زمینه گسترش مبادله‌های تجاری و سرمایه‌گذاری‌های مشترک اقتصادی و بهینه‌سازی تولید نفت خام و پالایش فرآورده‌ها با مشارکت جمعی) است. این عامل در مجموع ۲۷۵ امتیاز به دست آورده است.

چهارمین عامل تأثیرگذار در این بخش، گزینه چهارم (استفاده از سلاح نفت به‌عنوان یک کالای راهبردی از یک سو و نیاز روزافزون جهانی از سوی دیگر) است. این عامل در مجموع ۲۶۱ امتیاز کسب کرده است.

پنجمین عامل تأثیرگذار در این بخش، گزینه هشتم (ایجاد نهادهای سیاسی و تأکید بر دیپلماسی پیشگیرانه برای حل و فصل اختلاف‌های ارضی و مرزی) است. این عامل در مجموع ۲۵۰ امتیاز کسب کرد.

ششمین عامل تأثیرگذار در این بخش، گزینه دهم (ارتباط نزدیک بین سران کشورهای منطقه و اقدام‌های اعتمادسازی و ایجاد فضای مطلوب و تلاش در جهت اصل عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر جهت بسترسازی همکاری‌های جمعی) است. این عامل در مجموع ۲۴۱ امتیاز کسب نمود.

هفتمین عامل تأثیرگذار در این بخش، گزینه سوم (وجود تهدیدهای مشترک و سازوکار جمعی مقابله با آن) است. این عامل در مجموع ۲۳۳ امتیاز کسب کرده است.

هشتمین عامل تأثیرگذار در این بخش، گزینه آخر (همکاری در زمینه مبارزه با جرایم سازمان‌یافته) است. این عامل در مجموع ۱۲۲ امتیاز کسب کرده است.

نهمین عامل تأثیرگذار در این بخش، گزینه ششم (همکاری در زمینه اصلاحات سیاسی - اجتماعی و اقتصادی با محوریت بومی‌گرایی در منطقه) است. این عامل در مجموع ۱۱۸ امتیاز کسب کرده است.

دهمین عامل تأثیرگذار در این بخش، گزینه نهم (نفی حضور بیگانگان از طریق همکاری‌های نزدیک منطقه‌ای و تطبیق سیاست خارجی کشورها با واقعیت‌های منطقه) است. این عامل در مجموع ۱۱۳ امتیاز به‌دست آورد.

یازدهمین عامل تأثیرگذار در این بخش، گزینه هفتم (انجام فرایض مشترک اسلامی) است. این عامل در مجموع ۸۸ امتیاز کسب کرده است.

دوازدهمین و آخرین عامل تأثیرگذار در این بخش، گزینه پنجم (توسعه همکاری‌ها در زمینه مباحث علمی و فناوری‌های پیچیده مانند هسته‌ای و تحقیقات فضایی) است. این عامل در مجموع ۷۵ امتیاز کسب کرده است.

در مجموع، میانگین کل تأثیرگذاری در مؤلفه‌ها برابر با ۱۹۷.۵ برآورد شده است (جمع کل، تقسیم بر مؤلفه‌ها). بنابراین از بین عوامل ۱۲ گانه فرصت‌ساز، تعداد ۷ عامل بالاتر از میانگین یا به عبارتی قدرت بالاتری در تأثیرگذاری و تعداد ۵ عامل، پایین‌تر از میانگین یا به عبارتی قدرت پایین‌تری در تأثیرگذاری و ایجاد فرصت داشته‌اند.

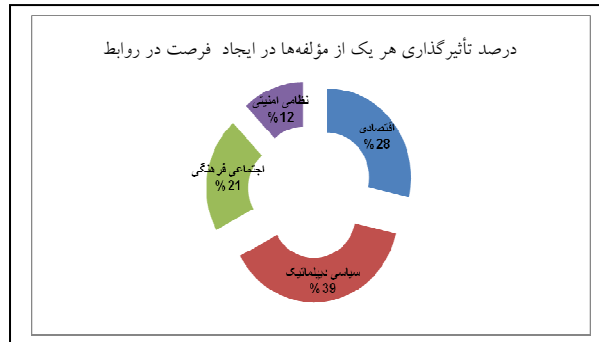
جدول شماره ۵. نتایج نهایی طیف‌بندی (فرصت‌ها)

طیف‌ها	عوامل	امتیاز عامل	جمع امتیاز طیف	درصد امتیاز
طیف ۱	شفافیت در امور نظامی و امنیتی یکدیگر، ارتباط نزدیک‌تر مسئولان نظامی و امنیتی و انجام رزمایش‌های مشترک نظامی	۲۸۴	۱۶۲۱	۶۸.۳۹
	همکاری‌های منطقه‌ای در زمینه‌های آبی، گردشگری و زیست محیطی	۲۸۰		
	همکاری‌های اقتصادی در زمینه گسترش مبادله‌های تجاری و سرمایه‌گذاری‌های مشترک اقتصادی و بهینه‌سازی تولید نفت خام و پالایش فرآورده‌ها با مشارکت جمعی	۲۷۵		
	استفاده از سلاح نفت به عنوان یک کالای راهبردی از یک سو و نیاز روزافزون جهانی از سوی دیگر	۲۶۱		
	ایجاد نهادهای سیاسی و تأکید بر دیپلماسی پیشگیرانه برای حل و فصل اختلاف‌های ارضی و مرزی	۲۵۰		
	ارتباط نزدیک بین سران کشورهای منطقه و اقدام‌های اعتمادسازی و ایجاد فضای مطلوب و تلاش در جهت اصل عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر جهت بسترسازی همکاری‌های جمعی	۲۴۱		
طیف ۲	وجود تهدیدهای مشترک و سازوکار جمعی مقابله با آن	۲۳۳	۲۳۳	۹.۸
طیف ۳	همکاری در زمینه مبارزه با جرایم سازمان‌یافته	۱۲۲	۱۲۲	
طیف ۴	همکاری در زمینه اصلاحات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی با محوریت بومی‌گرایی در منطقه	۱۱۸	۳۹۴	۱۶.۶۲
	نفی حضور بیگانگان از طریق همکاری‌های نزدیک منطقه‌ای و تطبیق سیاست خارجی کشورها با واقعیت‌های منطقه	۱۱۳		
	انجام فرایض مشترک اسلامی	۸۸		
	توسعه همکاری‌ها در زمینه مباحث علمی و فناوری‌های پیچیده مانند هسته‌ای و تحقیقات فضایی	۷۵		
طیف ۵	****	***	۰	۰

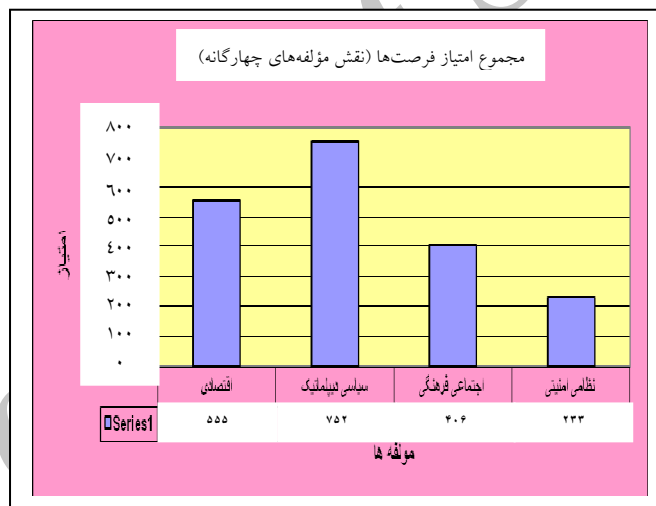
جدول شماره ۶. تأثیرگذاری عوامل (فرصت‌ها) بر اساس مؤلفه‌های چهارگانه

مؤلفه‌ها	جمع امتیاز	درصد از کل مؤلفه‌ها
مؤلفه‌های اقتصادی	۵۵۵	۲۸.۵۲
مؤلفه‌های نظامی - امنیتی	۲۳۳	۱۱.۹۷
مؤلفه‌های سیاسی - دیپلماتیک	۷۵۲	۳۸.۶۴
مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی	۴۰۶	۲۰.۸۶
جمع		۱۰۰

نمودار شماره ۱۲. تأثیرگذاری عوامل (فرصت‌ها) بر اساس مؤلفه‌های چهارگانه (درصد)



نمودار شماره ۱۳. تأثیرگذاری عوامل (فرصت‌ها) بر اساس مؤلفه‌های چهارگانه (امتیاز)



همان‌گونه که در نمودارهای بالا آمده است، به لحاظ تأثیرگذاری و ایجاد فرصت در رابطه با کشورهای عضو شورای همکاری، بیشترین زمینه در مؤلفه‌های سیاسی - دیپلماتیک است که با ۳۹ درصد، بیشترین زمینه‌های فرصت را در اختیار طرفین گذاشته است. در مرحله دوم این تقسیم‌بندی، مؤلفه‌های اقتصادی قرار دارند. این مؤلفه‌ها به میزان

۲۸ درصد از مجموع فرصت‌ها، زمینه مناسبی را برای تقویت مناسبات بین ایران و این کشورها فراهم می‌آورند.

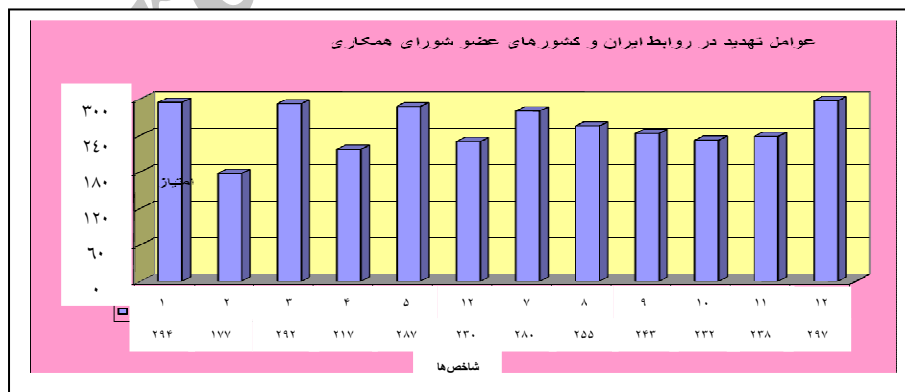
مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی با ۲۱ درصد در مجموع در رتبه سوم قرار دارند. نکته جالب اینکه مؤلفه‌های نظامی - امنیتی با کمترین میزان در زمینه فرصت‌سازی (۱۲ درصد) در رتبه آخر قرار دارند. بنابراین برنامه‌ریزان کشور باید بر اساس این رتبه‌بندی در ایجاد فرصت‌ها گام بردارند. البته این به آن معنی نیست که دولت‌ها تمام تمرکز خود را بر مسائل مهم‌تر معطوف نموده و از بقیه چشم‌پوشی کنند، بلکه باید در ایجاد رابطه، عوامل بیان شده در اولویت باشند.

در این تقسیم‌بندی میانگین تأثیرگذاری بر اساس مؤلفه‌های چهارگانه برابر با ۲۴.۹۹ درصد است که در این وضعیت مؤلفه‌های اقتصادی و سیاسی - دیپلماتیک بالاتر از میانگین، و مؤلفه‌های فرهنگی و نظامی - امنیتی پایین‌تر از میانگین قرار دارند.

۳-۴. تهدیدها

تهدیدها، مجموعه عواملی هستند که در نقشی تهدیدکننده در میزان همگرایی طرفین ایفا می‌کنند. با شناخت آنها می‌توان اثر این عوامل را کاهش داد یا از آنها پرهیز نمود.

نمودار شماره ۱۴. عوامل تهدید بین ایران و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس



همان‌گونه که در نمودار بالا مشخص است، در مجموع ۱۲ عامل تهدید، شناسایی شده‌اند که نتایج زیر به‌دست آمده است: اولین عامل تأثیرگذار در این بخش، گزینه تشدید تعارض‌های ایدئولوژیک و ملی‌گرایی است. این عامل در مجموع ۲۹۷ امتیاز کسب کرده است. دومین عامل تأثیرگذار در این بخش، گزینه روابط گسترده با قدرت‌های فرامنطقه‌ای و وابستگی شدید به آنهاست. این عامل در مجموع ۲۹۴ امتیاز کسب کرده است. سومین عامل تأثیرگذار در این بخش، گزینه تهدیدهای ناشی از بی‌ثباتی‌های سیاسی و ناآرامی‌های داخلی است که ۲۹۲ امتیاز کسب نموده است.

چهارمین عامل تأثیرگذار در این بخش، گزینه رقابت‌های قدرت میان قطب‌های طراز اول در منطقه (عربستان، ایران و عراق) و احساس حقارت از سوی قدرت‌های کوچک‌تر است. این عامل در مجموع ۲۸۷ امتیاز کسب کرده است. پنجمین عامل تأثیرگذار در این بخش، گزینه نگاه متضاد به مقوله امنیت و ترتیبات منطقه‌ای است. این عامل در مجموع ۲۸۰ امتیاز کسب کرده است. ششمین عامل تأثیرگذار در این بخش، گزینه وارد کردن اتهام به ج.ا.ایران در توسعه قدرت هلال شیعی و گسترش بحث ایران‌هراسی است. این عامل، ۲۵۵ امتیاز به‌دست آورده است.

هفتمین عامل تأثیرگذار در این بخش، گزینه رشد و گسترش جریان‌های تروریستی است. این عامل در مجموع ۲۴۳ امتیاز کسب کرده است. هشتمین عامل تأثیرگذار در این بخش، گزینه تلاش این کشورها در کمک به آمریکا برای حذف نقش منطقه‌ای ایران است که ۲۳۸ امتیاز کسب کرده است. نهمین عامل تأثیرگذار در این بخش، گزینه کمک به استقرار نظام دفاع ضد‌موشکی آمریکا در این کشورهاست. این عامل در مجموع ۲۳۲ امتیاز کسب کرده است. دهمین عامل تأثیرگذار در این بخش، گزینه عدم اعتماد متقابل است که ۲۳۰ امتیاز کسب کرده است. یازدهمین عامل تأثیرگذار در این بخش، گزینه شکل‌گیری دیدگاه‌های متضاد در این رژیم‌ها نسبت به ایران است. این عامل در مجموع ۲۱۷ امتیاز کسب کرده است.

دوازدهمین و آخرین عامل تأثیرگذار در این بخش، گزینه دیدگاه‌های تقابلی گرایانه در حمایت از نهضت‌ها در جهان اسلام و منطقه است که ۱۷۷ امتیاز به دست آورده است. در مجموع میانگین نمره عوامل ۱۲ گانه تهدید که در این پژوهش مورد شناسایی قرار گرفته‌اند، برابر با ۲۵۳.۵ بوده است که در این بین، ۶ عامل بالاتر از حد میانگین و ۶ عامل پایین‌تر از میانگین بوده‌اند.

جدول شماره ۷. نتایج نهایی طیف‌بندی (تهدیدها)

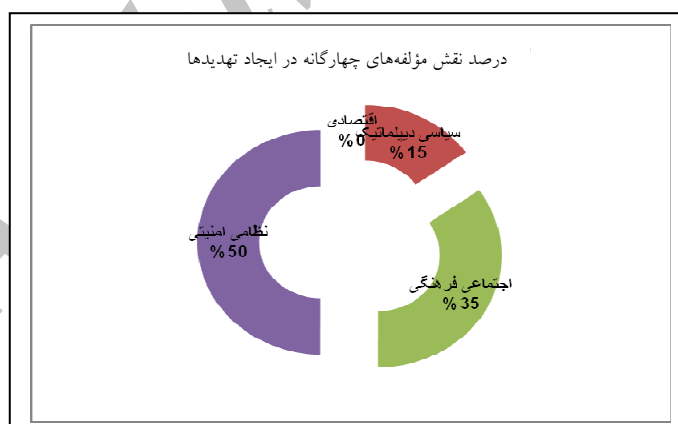
طیف‌ها	عوامل	امتیاز عامل	جمع امتیاز طیف	درصد مجموع امتیازهای طیف به کل طیف‌ها
طیف ۱	تشدید تعارض‌های ایدئولوژیک و ملی‌گرایانه	۲۹۷	۱۹۴۸	۶۴
	روابط گسترده با قدرت‌های فرامنطقه‌ای و وابستگی شدید به آنها	۲۹۴		
	تهدیدهای ناشی از بی‌ثباتی‌های سیاسی و ناآرامی‌های داخلی	۲۹۲		
	رقابت‌های قدرت میان قطب‌های طراز اول در منطقه (عربستان، ایران و عراق) و احساس حقارت از سوی قدرت‌های کوچک‌تر	۲۸۷		
	نگاه متضاد به مقوله‌های امنیت و ترتیبات منطقه‌ای	۲۸۰		
	وارد کردن اتهام به ج.ا. ایران در توسعه قدرت هلال شیعی و گسترش بحث ایران‌هراسی	۲۵۵		
	رشد و گسترش جریان‌های تروریستی	۲۴۳		
طیف ۲	تلاش این کشورها در کمک به آمریکا برای حذف نقش منطقه‌ای ایران	۲۳۸	۹۱۷	۳۰.۱۲
	کمک به استقرار نظام دفاع ضدوشکی آمریکا در این کشورها	۲۳۲		
	عدم اعتماد متقابل	۲۳۰		
	شکل‌گیری دیدگاه‌های متضاد در این رژیم‌ها نسبت به ایران	۲۱۷		
طیف ۳	دیدگاه‌های تقابلی گرایانه در حمایت از نهضت‌ها در جهان اسلام و منطقه	۱۷۷	۱۷۷	۵.۸۱
طیف ۴	***	***	۰	۰
طیف ۵	***	***	۰	۰

همان گونه که در نمودارهای بالا نشان داده شده است، بیشترین عوامل تأثیرگذار در میزان تهدید در طیف (۱) واقع شده‌اند؛ طیفی که عوامل آن از شدت بسیار بالایی برخوردارند. در مجموع، طیف‌های ۱ و ۲، ۹۴ درصد از مجموع عوامل تهدیدزا را در خود جای داده‌اند که این وضعیت نشان از عمق تهدیدها در منطقه دارد و نوید خوبی را در این زمینه نمی‌دهد.

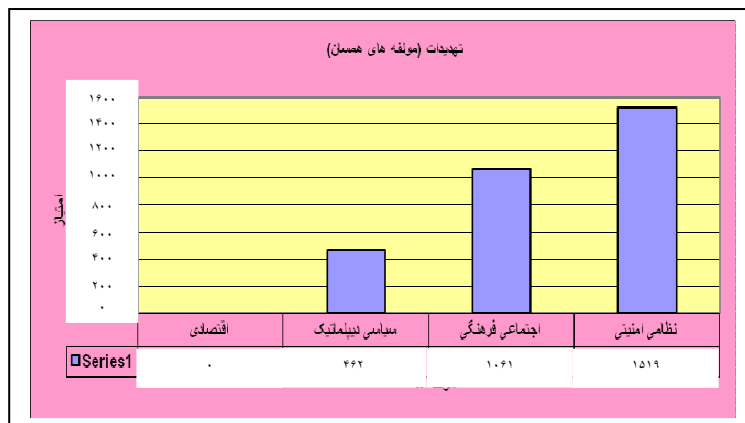
جدول شماره ۸. نتایج عوامل تهدیدزا بر اساس مؤلفه‌های چهارگانه در تمامی طیف‌ها

مؤلفه‌ها	جمع امتیاز	درصد از کل مؤلفه‌ها
مؤلفه‌های اقتصادی	هیچ گزینه‌ای در تحلیل نهایی جایی نداشت	۰
مؤلفه‌های نظامی - امنیتی	۱۵۱۹	۴۹.۹۳
مؤلفه‌های سیاسی - دیپلماتیک	۴۶۲	۱۵.۱۸
مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی	۱۰۶۱	۳۴.۸۷
جمع	۳۰۴۲	۱۰۰

نمودار شماره ۱۵. نتایج عوامل تهدیدزا بر اساس مؤلفه‌های چهارگانه در تمامی طیف‌ها (درصد)



نمودار شماره ۱۶. نتایج عوامل تهدیدزا بر اساس مؤلفه‌های چهارگانه در تمامی طیف‌ها (امتیاز)



جدول شماره ۹. نتایج سوات (SWOT) ایران با کشورهای عضو شورای همکاری بر اساس طیف‌بندی

مؤلفه‌های اقتصادی	مؤلفه‌های سیاسی - دیپلماتیک	مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی	مؤلفه‌های نظامی - امنیتی	
۱۹.۱۰	۴۱.۳۲	۸.۲۷	۳۱.۹۹	قوت‌ها
۱۷.۰۹	۱۸.۹۱	۳۵.۴۱	۲۸.۵	ضعف‌ها
۲۸.۵۲	۳۸.۶۴	۲۰.۸۶	۱۱.۹۷	فرصت
۰	۱۵.۱۸	۳۴.۸۲	۴۹.۹۳	تهدید
۴۷.۶۱	۷۹.۹۶	۲۸.۱۳	۴۳.۹۶	عوامل مثبت درونی و بیرونی (قوت و فرصت)
۱۷.۰۹	۳۰.۰۹	۷۰.۲۳	۷۸.۴۳	عوامل منفی درونی و بیرونی (ضعف و تهدید)

در تحلیل نهایی از عوامل چهارگانه می‌توان دریافت که:

(۱) به لحاظ نقاط قوت، بیشترین نقطه قوت طرفین در توسعه روابط به ترتیب در

مؤلفه‌های سیاسی - دیپلماتیک، نظامی - امنیتی، اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی است.

- (۲) بیشترین نقاط ضعف به ترتیب، مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی، نظامی - امنیتی، سیاسی - دیپلماتیک و اقتصادی هستند.
- (۳) بیشترین فرصت‌ها به ترتیب در مؤلفه‌های سیاسی - دیپلماتیک، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و نظامی - امنیتی، قرار دارند.
- (۴) بیشترین تهدید به ترتیب در مؤلفه‌های نظامی - امنیتی، اجتماعی - فرهنگی، سیاسی - دیپلماتیک و اقتصادی وجود دارند.
- (۵) به لحاظ عوامل مثبت (فرصت و قوت)، بیشترین تمرکز بر مؤلفه‌های سیاسی - دیپلماتیک و اقتصادی، وجود دارد.
- (۶) به لحاظ عوامل منفی درونی و بیرونی (ضعف و تهدید)، بیشترین تمرکز برنامه‌ها بر مؤلفه‌های نظامی - امنیتی و اجتماعی - فرهنگی می‌باشد.
- با توجه به مباحث مطرح شده، عوامل همگرا و واگرا بین کشورها تحت تأثیر مؤلفه خاصی نیست، بلکه تحت تأثیر مؤلفه‌ها و عوامل متعددی است، اما شدت تأثیرگذاری هر کدام متفاوت می‌باشد، بنابراین فرضیه اثبات می‌گردد.

نتیجه‌گیری

براساس یافته‌ها باید گفت کیفیت و روح همکاری در بین کشورهای منطقه تاکنون در حد مناسبی نبوده است و منطقه از توسعه مطلوب برخوردار نیست، البته بدون همکاری‌های جمعی، چنین توسعه‌ای قابل دسترسی نیست. همچنین می‌توان بیان داشت موانع عمده‌ای که بیشتر سیاسی است در برابر همکاری‌های جمعی مورد نیاز برای توسعه منطقه وجود دارد و کشورهای منطقه و ج.ا.ایران از تقابل به وجود آمده در منطقه، لطمه‌های زیادی دیده‌اند.

عوامل همگراییانه بین ایران و این کشورها، در چهار بخش نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید مورد بحث و بررسی قرار گرفت. نتیجه این بررسی‌ها در قالب موارد زیر ارائه می‌گردد:

(۱) نقاط قوت

به لحاظ سنجش عوامل در بخش قوت‌ها، «نزدیکی جغرافیایی و همسایگی این کشورها» عمده‌ترین نقطه قوت موضوع است. سایر عوامل به ترتیب عبارت از: دین مشترک، موقعیت مرکزی در جهان اسلام، منابع انرژی، وجود مسائل مشترک در جهان اسلام و اهمیت راهبردی خلیج فارس هستند. در مجموع باید گفت، محاسبه‌های آماری از سنجش مؤلفه‌های تحقیق نشان داد که مؤلفه‌های سیاسی - دیپلماتیک، نقطه قوت‌های قابل اتکایی برای طرفین هستند که از آنها با ضعیف‌ترین حالت ممکن استفاده می‌شود؛ زیرا در بخش عوامل واگرایی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های واگراییانه بودند. تجربه نشان داده است هرگاه روابط سیاسی - دیپلماتیک طرفین به یکدیگر نزدیک شده باشد، منطقه از بحران کمتری برخوردار بوده است.

حال پرسش این است چگونه ممکن است یک مؤلفه هم در واگرایی شدت زیادی داشته باشد هم نقطه قوت بالایی داشته باشد. پاسخ روشن است و به مدیریت سیاسی و دیپلماسی طرفین بر می‌گردد. بنابراین ظرفیت‌های زیادی وجود دارند که واگرایی نسبی به وجود آمده را به همگرایی تبدیل نمایند. از سوی دیگر، تحولات اخیر از یک سو روابط سیاسی - دیپلماتیک ایران و این کشورها را با چالش روبه‌رو ساخته و از سوی دیگر این کشورها نیازمند کمک ج.ا.ایران در واپایش بخشی از بحران‌های موجود به‌ویژه اعتراض‌های مردمی با صبغه تشیع در داخل کشورهاشان هستند. به همین دلیل در بخش نقاط قوت باید بیشترین تلاش انجام شود که از نقاط قوت موجود استفاده گردد.

(۲) نقاط ضعف

در بخش مهم‌ترین نقاط ضعف در ایجاد همگرایی در مجموع ۱۳ عامل مورد بررسی قرار گرفت که اختلاف‌های عقیدتی و مذهبی مهم‌ترین عامل تضعیف‌کننده در همگرایی به دست آمد. همچنین عدم اعتماد عرب‌ها به هدف‌های راهبردی ایران، قرار داشتن منطقه در راهبرد قدرت‌ها، رقابت‌ها و کشمکش‌های تاریخی، شکاف دولت - ملت‌ها، سیاست‌های تسلیحاتی، اختلاف‌های مرزی و ارضی، جهت‌گیری‌های متفاوت، ساختار نامتجانس داخلی، ناتوانی این کشورها در برخورد با مشکلات داخلی، عدم توسعه‌یافتگی اقتصادی و وابستگی اقتصادی به قدرت‌ها، شکاف طبقاتی و مراودات ضعیف اقتصادی و ... دیگر عوامل هستند. بنابراین مجموع این یافته‌ها نشان داد که هنوز زیرساخت‌های لازم در جهت از بین رفتن ضعف‌ها و تبدیل آن به نقاط قوت در منطقه به وجود نیامده است. بنابراین راهبرد کلان باید به گونه‌ای تنظیم گردد که نقاط ضعف را پوشش داده و به نقاط قوت تبدیل نمایند. همچنین یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی بیشترین میزان را در این بخش تشکیل داده‌اند. بنابراین یکی از راهبردهای دولت ج.ا.ایران، برنامه‌ریزی در جهت کاستن از کدورت‌های تاریخی تحت عنوان مذهب و ملی‌گرایی است؛ زیرا امتداد تفکرات ملی‌گرایانه و مذهبی در آینده ممکن است در ساختارهای جدید ناشی از انقلاب در این کشورها ادامه یافته و به اختلاف‌های موجود در دو سطح ملی (اختلاف‌های فرقه‌ای در داخل این کشورها) و فراملی (اختلاف‌های شیعه و سنی در کل منطقه) دامن بزند. این وضعیت افزون بر اینکه منجر به تضعیف جایگاه ایران خواهد شد، مطلوب آمریکا نیز خواهد بود.

(۳) فرصت‌ها

همان‌گونه که در بخش یافته‌های تحقیق نشان داده شد، در مجموع عوامل مختلفی وجود دارند که در نقش عوامل فرصت‌ساز بین ایران و این کشورها تلقی می‌گردند. اگر

بیشترین استفاده از این عوامل انجام شود، آنها می‌توانند در ایجاد همگرایی نقش بی‌بدیلی را ایفا نمایند. از بین عوامل فرصت‌ساز، شفافیت در امور نظامی و امنیتی و ارتباط نزدیک‌تر مسئولان نظامی و امنیتی این کشورها با ایران از اهمیت بیشتری نسبت به سایر عوامل برخوردار بوده‌اند. سایر عوامل، توسعه همکاری‌های منطقه‌ای در زمینه‌های آبی، گردشگری، زیست‌محیطی، همکاری‌های تجاری و اقتصادی به‌ویژه در بخش نفت و استفاده از سلاح نفت به‌عنوان یک حربه، ایجاد نهادهای سیاسی مشترک، نزدیک ساختن ارتباط بین رهبران، بودند. در این بخش، بیشترین مؤلفه احصاء شده در ایجاد فرصت‌ها، مؤلفه‌های سیاسی - دیپلماتیک بوده است. بنابراین فرصت‌سازترین مؤلفه‌ها از بین مؤلفه‌های چهارگانه، مؤلفه‌های سیاسی - دیپلماتیک هستند.

(۴) تهدیدها

در بخش یافته‌های تحقیق، عوامل مختلفی در حوزه تهدیدها مورد ارزیابی قرار گرفت که نتایج حاکی است تشدید تعارض‌های ایدئولوژیک، مهم‌ترین عامل تهدیدزا در توسعه روابط بین ایران و این کشورها محسوب می‌شود. نکته قابل توجه این است که ج.ا.ایران باید با ظرافت، مانع از تشدید این پدیده در منطقه شود؛ زیرا انقلاب‌های مردمی در بحرین و یمن و اعتراض‌های گسترده نسبت به تضييع حقوق شیعیان در عربستان باعث شده است که سران این کشورها با انتشار ایده‌های منفی نسبت به ج.ا.ایران، این بدبینی را در سطح این کشورها علیه کشورمان تشدید نموده و با ابزارهای همچون شبکه‌های بین‌المللی تلویزیونی، اذهان عمومی را در این جوامع منحرف سازند. وابستگی شدید این کشورها به قدرت‌های فرامنطقه‌ای - به ویژه قدرت‌هایی که با ج.ا.ایران دشمنی دارند - و توسعه روابط با آنها، در توسعه روابط با این کشورها مطرح بوده است. عدم اقبال مردمی نسبت به حضور آمریکا یک فرصت راهبردی برای ج.ا.ایران تلقی می‌گردد.

از دیگر موارد، بی‌ثباتی‌های سیاسی و ناآرامی‌های داخلی در این کشورهاست. این عامل امروزه با توسعه بحران در این کشورها نقش بی‌بدیلی در واگرایی ایجاد کرده است؛ زیرا از یک سو ج.ا.ایران خود را موظف به دفاع از ملت‌های مسلمان و ستم‌دیده می‌داند و با سرکوب و اختناق در این کشورها مخالف بوده و از سوی دیگر، وجود زمینه‌های بحران در این کشورها، منجر به نسبت دادن آنها به جمهوری اسلامی ایران شده است. بنابراین بی‌ثباتی‌های سیاسی، منجر به دوری و شکاف نظام‌های حاکم در این کشورها از ج.ا.ایران خواهد شد. همچنین حمایت‌های ایران از این انقلاب‌ها و جنبش‌ها منجر به ایجاد رابطه گرم انقلابیون این کشورها با ایران خواهد شد. به همین دلیل در صورت وقوع انقلاب در این کشورها می‌توان شاهد رشد قدرت روزافزون ج.ا.ایران بود. این امر با برنامه‌ای منسجم و پیچیده بر اساس بازه‌های زمانی کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت، قابل پیگیری و اجراست. از دیگر تهدیدها، وجود رقابت میان قطب‌های قدرت در منطقه، نگاه متضاد به نحوه تأمین امنیت، اتهام به جمهوری اسلامی مبنی بر نفوذ در ساختار شیعیان این کشورها، رشد و گسترش جریان‌های تروریستی، استقرار نظام دفاع ضد‌موشکی و ... می‌باشد. در مجموع به لحاظ مؤلفه‌ای، تهدیدهای نظامی - امنیتی بالاترین میزان تهدید در منطقه را دارا هستند که این ناشی از نقش مداخله‌گر بیرونی است.

به‌منظور ارائه راهکارهای عملی برای بخش‌های چهارگانه قوت، ضعف، تهدید و فرصت، در جدول‌های صفحه‌های بعدی، پیشنهادهایی مطرح شده است.

جدول شماره ۱۰. پیشنهادها در بخش‌های قوت‌ها و ضعف‌ها

ضعف‌ها	قوت‌ها
۱. در زمینه تضادهای ایدئولوژیک برنامه‌ریزی‌های وسیعی انجام شود (هم از سوی ایران و هم از سوی این کشورها) تا بتوان بخشی از مسائل به وجود آمده را حل و فصل کرد. برای مثال با اعزام گروه‌های مختلف مذهبی به این کشورها و به‌دست آوردن نقاط اشتراک و تلاش در جهت از بین بردن و زدودن تفکرات غلط و افراطی طرفین از طریق سازوکارهای گوناگون.	۱. تلاش در جهت ایجاد برنامه‌های مشترک جهت روابط نزدیک و دوستانه به‌واسطه نزدیکی جغرافیایی و همسایگی از جمله توسعه روابط دیپلماتیک و اعزام گروه‌های خُسنیت به این کشورها.
۲. پیگیری سیاست تنش‌زدایی و شفافیت‌سازی	۲. امضای تفاهم‌نامه‌های گوناگون از جمله عدم تعرض به‌واسطه نزدیکی جغرافیایی.
۳. توسعه همکاری‌های منطقه‌ای در زمینه نحوه ارتباط با قدرت‌های جهانی	۳. سرمایه‌گذاری‌های مشترک منطقه‌ای به‌واسطه نزدیکی و همسایگی
۴. تلاش در جهت زدودن تفکرات کشمکش‌های تاریخی در منطقه	۴. دادن تضمین‌های امنیتی در جهت عدم استفاده از فضای جغرافیایی کشورهای منطقه علیه یکدیگر از جمله تضمین در جهت عدم کمک و همراهی به آمریکا در حمله نظامی و با استفاده از فضای این کشورها علیه ایران و یا عدم همراهی در تحریم‌های احتمالی به‌ویژه نفت و گاز
۵. ایجاد گفت‌وگوها و گفت‌وگوهای امنیتی	۵. همکاری‌های مشترک نفتی و گازی به‌ویژه در منابع مشترک (از جمله قطر)
۶. توسعه مراودات ساختاری از جمله ساختارهای اجتماعی	۶. همکاری در زمینه توسعه دانش فنی و فناورانه و مدیریتی
۷. توسعه فعالیت‌ها و مراودات اقتصادی با محوریت قرار دادن فعالیت‌های تجاری در منطقه	۷. استفاده از ظرفیت راهبردی خلیج فارس در پیوستگی و همبستگی ایران با این کشورها (برای مثال با ایجاد یک منطقه ویژه اقتصادی در سراسر خلیج فارس)
۸. توسعه فناوری‌های بومی و علمی در منطقه با مشارکت جمعی	۸. تلاش در جهت از بین بردن اختلاف دیدگاه در زمینه‌های مشترک مربوط به جهان اسلام (عراق، فلسطین، لبنان،...) و شکل‌گیری کارگروه‌های مشترک بین ایران و این کشورها
	۹. تأکید بر مسئله دین به‌جای مذهب به‌عنوان یک مقوله قدرتمند

جدول شماره ۱۱. پیشنهادها در بخش‌های فرصت و تهدید

تهدیدها	فرصت‌ها
۱. برنامه‌ریزی‌های وسیعی در سطح کلان انجام شود که تعارض‌های ایدئولوژیکی بین ایران و این کشورها تخفیف یابد؛ زیرا مادامی‌که این تعارض‌ها افزایش پیدا کنند به همان میزان شکاف‌ها افزایش یافته و نفوذ عوامل خارجی را تسریع می‌بخشد.	- ایجاد تفاهم‌نامه‌های امنیتی بین ایران و این کشورها در زمینه‌های مشترک - ایجاد یک تقویم سالیانه جهت ایجاد یک همایش امنیتی و نظامی بین کشورهای منطقه و ادامه مستمر آن با مشارکت تمامی کشورهای منطقه - برگزاری رزمایش‌های دریایی مشترک و استفاده از ظرفیت‌های نظامی و امنیتی ایران و این کشورها - شفافیت در خرید تسلیحات و جلوگیری از رقابت‌های تسلیحاتی - همکاری در زمینه خطوط لوله آب از ایران به این کشورها - انعقاد همکاری‌های گردشگری - انعقاد تفاهم‌نامه‌های زیست محیطی - انعقاد قرارداد در زمینه مبادله‌های تجاری و سرمایه‌گذاری‌های مشترک - مشارکت جمعی در زمینه بالایش فرآورده‌های نفتی و انتقال دانش فنی آن - ایجاد نهادهای مشترک سیاسی جهت پیشگیری از اختلاف‌های به وجود آمده - توسعه روابط بین سران منطقه جهت اعتمادسازی و ایجاد یک برنامه تقویمی از سوی سران کشورها در رابطه با یکدیگر - شناسایی تهدیدهای مشترک جمعی و همکاری در جهت از بین بردن آنها با سازوکارهای مختلف - همکاری در زمینه مبارزه با جرائم سازمان‌یافته در منطقه و انعقاد قراردادهای دو یا چند جانبه - ایجاد کارگروه‌های مختلف و مشترک در زمینه لزوم اصلاحات سیاسی- اجتماعی در این کشورها ایجاد مقابله‌نامه‌ها و پیمان‌نامه‌های امنیتی در زمینه عدم تعرض و ایجاد تضمین امنیتی به یکدیگر در جهت کاهش حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در این کشورها. - تلاش و برنامه‌ریزی از وجود نقاط مشترک مانند فرائض دینی (حج) و استفاده از ظرفیت‌های آن در ایجاد همکاری - ایجاد مراکز علمی مشترک در زمینه تحقیقات پیچیده که این کشورها از توان فنی لازم برخوردار نیستند. برای مثال توسعه علمی و فناوری‌های پیچیده هسته‌ای و هوافضا. - فعال بودن در حوزه دیپلماسی فعالی در رابطه با کشورهای عرب خلیج فارس - برقراری تسهیلات در زمینه جذب داوطلبان بیمار اعزام به ایران جهت گذراندن دوره درمانی - تبادل استادان و دانشجویان دانشگاه‌ها با کشورهای عرب خلیج فارس در یک برنامه میان‌مدت - انتشار نشریات عرب‌زبان و تقویت رسانه‌های عرب‌زبان موجود همراه با رعایت حساسیت‌های مذهبی - اعزام دیپلمات‌های مسلط به زبان عربی به کشورهای عرب خلیج فارس (در این زمینه باید از شخصیت‌های مستقل آشنا به محیط، زبان و میراث جهان عرب به عنوان رایزنان متحرک فرهنگی استفاده کرد). - تقویت نهادهای غیردولتی انجمن‌های دوستی ایران و کشورهای عربی و تأمین تسهیلات لازم برای پیشبرد هدف‌های آنان
۲. تشویق این کشورها در جهت کاهش وابستگی همه‌جانبه به قدرت‌های فرامنطقه‌ای از طریق دادن تضمین‌های امنیتی و پیمان‌نامه‌های نظامی، امنیتی و حتی اقتصادی.	
۳. عدم سوءاستفاده از جمعیت‌های همگن در خاک سایر کشورها (همگن قومی و مذهبی) و حتی استفاده از ظرفیت کشور مقابل در واپاشی بحران‌های آن مناطق، (البته این مهم دست پیدا نمی‌کند مگر اینکه اصلاحاتی ساختاری و آزادی‌های مدنی در این کشورها ایجاد شود)	
۴. تلاش در جهت نزدیک ساختن دیدگاه‌های امنیتی در جهت بومی‌سازی امنیت در منطقه	
۵. زودودن تفکرات غلط به وجود آمده در این کشورها در زمینه توسعه قدرت هلال شیعی توسط ایران	
۶. همکاری‌های منطقه‌ای در زمینه مبارزه با تروریسم در منطقه از طریق امضای تفاهم‌نامه‌های همکاری	
۷. جلوگیری از تلاش این کشورها در جهت حذف نقش منطقه‌ای ایران و گوشزد کردن خطرات ناشی از این اقدام به این کشورها	
۸. قنایع ساختن این کشورها در جهت جلوگیری از استقرار نظام دفاع ضدموشکی آمریکا در داخل خاک این کشورها	
۹. توسعه دیپلماسی عمومی ج. ا. ایران در بین ملت‌های منطقه به‌ویژه شیعیان	
۱۰. تشریح مساعی و نزدیک ساختن دیدگاه‌ها در زمینه‌های مشترک اما اختلاف‌آمیز مانند مسائل مشترک جهان اسلام.	

منابع و مآخذ

۱. منابع فارسی

۱. اسدی، بیژن (۱۳۸۱)، *خلیج فارس و مسائل آن*، تهران، سمت.
۲. اعرابی، سیدمحمد (۱۳۸۵)، *دستنامه برنامه‌ریزی استراتژیک*، تهران، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۳. امامی، محمدعلی (۱۳۷۳)، جمهوری اسلامی ایران و مسئله تأمین امنیت در خلیج فارس، *مجموعه مقالات پنجمین همایش بین‌المللی خلیج فارس*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه.
۴. تاجیک، نصرت‌اله (۱۳۷۵)، عوامل مخرب در همگرایی منطقه‌ای، ارائه شده در: *مجموعه مقالات ششمین همایش بین‌المللی خلیج فارس*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه.
۵. حافظ‌نیا، محمدرضا و مراد کاویانی (۱۳۸۵)، *افتق‌های نو در جغرافیای سیاسی*، تهران، سمت.
۶. دهباد، بهروز (۱۳۷۳)، حفاظت از محیط زیست خلیج فارس عاملی برای همبستگی کشورهای پیرامون آن، *مجموعه مقالات پنجمین همایش بین‌المللی خلیج فارس*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۷. روشندل، جلیل (۱۳۷۳)، طرحی نوین برای همکاری در خلیج فارس، *مجموعه مقالات پنجمین همایش بین‌المللی خلیج فارس*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه.
۸. سلطانی، علیرضا (۱۳۸۰)، گاز محور توسعه اقتصادی و تجارت خارجی در خلیج فارس، *مجموعه مقالات دوازدهمین همایش بین‌المللی خلیج فارس*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه.
۹. صفارزاده، محمود و عبدالرضا رضایی (۱۳۸۰)، حمل و نقل؛ نقطه مناسب برای همکاری‌های مشترک اقتصادی در کشورهای حوزه خلیج فارس، *مجموعه مقالات دوازدهمین همایش بین‌المللی خلیج فارس*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه.
۱۰. قاسمی، فرهاد و سیدجواد صالحی (۱۳۸۶)، *نگرشی تنوریک بر خلیج فارس و مسائل آن*، تهران، انتشارات مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
۱۱. قاسمی، فرهاد (تابستان ۱۳۸۰)، ناکارایی نظام کنترل نظم و تعارضات منطقه‌ای در خلیج فارس، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، سال هشتم، شماره ۲.
۱۲. قربان، نرسی (۱۳۷۳)، دورنمای همکاری‌های کشورهای حوزه خلیج فارس، *مجموعه مقالات پنجمین همایش بین‌المللی خلیج فارس*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه.

۲. منابع انگلیسی

1. Thomson, William (1973), The Regional Subsystem: A Conceptual Complication and Propositional Inventory, *International Studies Quarterly*, Vol. 12, No 1.

2. Brecher, Michael (January 1969), The Middle East Subordinate System and Its Impact on Israel Foreign, *International Studies Quarterly*, Vol 13.
3. Cantory, Louis and Steven L. Spiegel (1974), *The International Politics of Regions: A Comparative Approache*, Englewood, Prentice Hall.
4. Deutch, Karl. W (1966), External Influence on the Internal Behavior of State, In Barry Farrel, *Approaches to Comparative Politics*, Evanston, North Western University Press.

Archive of SID